

# خانواده، سرمایه خانواده و چالش‌های فراروی جامعه ما

دکتر حسن روحانی\*

## چکیده

یکی از دستاوردهای جامعه‌شناسی در قرون اخیر آن را پشت سر گذاشتیم، روی آوردن به نظریه سرمایه اجتماعی است. گرچه هنوز در باب معنای سرمایه اجتماعی، وفاق لازم میان جامعه‌شناسان و متفکران علوم اجتماعی پدید نیامده، اما از سوی دیگر، سیالیت معنایی آن باعث شده است که بتوان از زوایای نوینی که خطوط پژوهشی گوناگون آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد، به آن نگریست و از بسط نظری آن برای فهم بهتر مسایل اجتماعی، بهره برد. نوشتار حاضر ابتدا با توجه به ریشه شکل‌گیری مفهوم سرمایه اجتماعی، به بازتعریف آن به گونه‌ای که بتواند در برگیرنده سرمایه خانواده باشد، می‌پردازد و سپس از همین منظر، ابعاد سه‌گانه سازنده آن را معرفی می‌کند. در ادامه، تهدیدهای سرمایه خانواده از زاویه چالش‌های فراروی جامعه ایرانی مطرح می‌گردد و در پایان، راهکارهای ارتقای سرمایه خانواده ارائه می‌شود. از آنجا که نوشتار حاضر، نخستین مواجهه با مسایل خانواده از منظر سرمایه اجتماعی است، به ضرورت‌های پژوهشی آینده در این خصوص نیز پرداخته شده است.

## واژگان کلیدی

خانواده، سرمایه خانواده، سرمایه اجتماعی.

Email: rouhani@csr.ir

\*. رییس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

تاریخ پذیرش: ۸۹/۰۸/۲۹

تاریخ ارسال: ۸۹/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد / سال نوزدهم / شماره ۵۷ / زمستان ۱۳۸۹ / صص ۳۳-۷

«خانواده»، همواره در کانون توجه اندیشمندان قرار داشته است. درست است که در نخستین نظرورزی‌ها درباره جایگاه خانواده، برخی اندیشمندان دچار درک نادرست شدند و خواستار انحلال آن گردیدند (و حتی در مارکسیسم آن را گونه‌ای مالکیت خصوصی دانسته و الغای آن را خواستار شدند)، اما پیامبران الهی از یک طرف و رشد تجربیات اجتماعی انسان از طرف دیگر، بر ضرورت و اهمیت و استحکام آن مهر تأیید نهادند و خواستار پاسداری هرچه بیشتر از آن شدند. اینک در روزگاری زندگی می‌کنیم که هم هدایت‌های آسمانی و هم رهیافت‌های عقلی و تجربی بشر در این باب، هم‌آواز گردیده و بر حرمت و اهمیت آن، هم‌داستان گردیده‌اند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: "ما بُنی بناء فی الاسلام أحب الی الله عزوجل من التزویج"، به این معنی که: هیچ بنیان و نهادی نزد خداوند، با عظمت‌تر و محبوب‌تر از بنیان و بنیاد خانواده نیست (حُرّ عاملی، ص ۱۴). همین سخن کوتاه گویای اهمیت و عظمت خانواده در تفکر اسلامی است.

## ۱- چیستی خانواده

### ۱-۱- تعریف

تعریف خانواده در طول زمان با تغییراتی همراه بوده است. از یک منظر خانواده عبارت است از: «پیوند قانونی دو جنس مخالف بر پایه روابط پایا، تقدس مذهبی، روابط عمیق عاطفی که با نوعی قرارداد اجتماعی و آثار مهم فرهنگی همراه است» (Engels, 1973, pp. 171-205). در این منظر، معنای اصلی خانواده همواره با یک قرارداد اجتماعی، پیوند حقوقی، اجتماعی و عاطفی همراه می‌باشد. از منظری دیگر: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل دو فرد که با شرایطی قانونی و طی مراسمی تشکیل می‌شود و به طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته است» (Karlsson, 1963, p.31). برخی خانواده را در مفهوم محدود آن معنی می‌کنند و قائل‌اند که از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که به همراه فرزندان پدیدآمده از آنان، خانواده تشکیل می‌شود. تعریف دیگری، خانواده را گروهی از افراد می‌داند که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپروری با یکدیگر ارتباط می‌یابند و طی یک دوره زمانی نامشخص، با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷).

آنتونی گیدنز خانواده را گروهی از افراد می‌داند که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده، یا از طریق تبار است که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان دیگر، پدربزرگ‌ها و غیره) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۴۲۴).

امروزه جدال بر سر تعریف خانواده عمدتاً به دو مبحث «ساختار» و «کارکرد» معطوف است؛ به عبارت دیگر، سؤال اینجاست که آیا در تعریف خانواده حتماً می‌بایست به ساختار یعنی وجود پدر، مادر یا والدین و فرزندان و روابط خونی، ازدواج و فرزندخواندگی توجه داشت و یا اینکه می‌توان افراد غیرمرتبط به لحاظ خونی، ازدواج و فرزندخواندگی ساکن در یک خانه را به سبب کارکردهای مشابه، «خانواده» دانست؟ یونسکو در سال ۱۹۹۲ بین **واحد خانواده**<sup>۱</sup> و **اعضای یک خانه**<sup>۲</sup> تمایز قائل می‌شود و پنج‌گونه خانواده را تعریف می‌کند: **خانواده هسته‌ای**<sup>۳</sup> - خانواده متشکل از دو نسل پدر و مادر و فرزندان یا والدین مجرد و فرزندانشان؛ **خانواده بنیادین**<sup>۴</sup> - خانواده متشکل از سه نسل شامل پدر، مادر، فرزندانی که ازدواج کرده، همسر و فرزندان او؛ خانواده عمودی پشت در پشت؛<sup>۵</sup> خانواده مشترک یا **بسط‌یافته**<sup>۶</sup> و **خانواده پیچیده**<sup>۷</sup> - هنگامی که دو خانواده بعد از طلاق گرد هم می‌آیند.<sup>(۱)</sup>

به رغم تفرق در تعاریف و تفاوت در معنا و مفهوم خانواده، ظاهراً در یک قول کمتر اختلاف وجود دارد و آن اینکه اخلاق اجتماعی، هنجارها و رفتارهای اجتماعی که بر ساخته (یا تهدید) می‌شوند، دارای پیوندی متقابل با خانواده و تربیت خانوادگی هستند. کاردینر معتقد است: «در جامعه‌ای که تربیت کودک با بازی و مدارا و ملاحظت آمیخته، شخصیت اساسی افراد به نرم‌خویی و آسان‌گیری مقرون می‌شود و جامعه پر از رحمت و شفقت و مدارا خواهد

1. Family unit
2. Household
3. Nuclear family
4. Stem family
5. Lineal family
6. Extended
7. Compound family

بود، اما تربیت سخت‌گیرانه افراد جامعه را تندخو بار خواهد آورد» (راسخ و بهنام، ۱۳۴۷، ص ۴۵). اریک فرم نیز قائل است: «خشونت پدر، کودک را ضعیف‌کش و او را در برابر قوی تسلیم محض بار می‌آورد و در برابر ضعفا قدرتخواه و دنبال تسلط بی‌چون‌وچرا خواهد بود (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۳).

## ۱-۲- انواع خانواده

با توجه به تاریخ تحولات زندگی بشر و تغییر در الگوهای فرهنگی و اجتماعی (در طیف زمانی، مکانی، توسعه و تحولات تکنولوژی و تحول ساختار جامعه سنتی به صنعتی)، خانواده در قالب الگوهای متنوعی مشاهده شده است. از جمله متداول‌ترین و عام‌ترین این تقسیمات، دو تیپ خانواده مطرح است که شامل خانواده گسترده و خانواده هسته‌ای می‌باشد.

### ۱-۲-۱- خانواده گسترده

گونه‌ای خانواده پدرسالار است که از طریق ازدواج اعضاء جوان خانواده و پیوندهای سببی به وجود می‌آید. از این جهت این نوع خانواده شامل چندگروه خونی،<sup>۸</sup> گروه زناشویی<sup>۹</sup> و چند گروه فرزندپذیر<sup>۱۰</sup> است. خانواده گسترده نقش بارزی در برآوردن نیازهای اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و عاطفی اعضای خود برعهده دارد و این امر از طریق گروه وسیع خویشاوندان محقق می‌شود. از این‌روست که افراد از پیوستگی زیادی نسبت به یکدیگر برخوردارند و مرگ اعضای آن منجر به جدایی و از هم پاشیدگی کل خانواده نمی‌شود. اساس خانواده گسترده برپایه کشاورزی و دامپروری است. خانواده‌ای که دارای بُعد اقتصادی و تولیدی است، صرفاً مصرف‌کننده محسوب نمی‌شود (فرید، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲).

### ۱-۲-۲- خانواده هسته‌ای

خانواده هسته‌ای متشکل از والدین با فرزندان یا بدون فرزندان است. جدایی محل کار از محل زندگی، نقش و اهمیت آموزش و تحصیلات برای والدین و فرزندان، ساختار قدرت، نحوه انتخاب همسر، فرزندآوری، اجرای مراسم خانوادگی، تقسیم کار در خانواده، نحوه مشارکت در

8 . Blood Family  
9 . Marital Group  
10 . Adoption

امور داخل خانه و جامعه و آینده‌نگری در مورد فرزندان در زمره اصلی‌ترین مسائل خانواده هسته‌ای در دوران جدید است (بهنام، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲).

## ۲- خانواده در اسلام

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان، نمونه کاملی از تعالیم و آموزش‌های لازم جهت زندگی انسان‌ها به شمار می‌رود. درخصوص اهمیت خانواده به عنوان نمونه، خداوند چنین می‌فرماید: «و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» و باز یکی از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامشی یافته و با هم انسی گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار نمود و در این امر نیز برای مردم صاحب فکر، دلایل علم و حکمت حق آشکار است (قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۱). اسلام خانواده را مظهر انس، الفت و آرامش مرد و زن دانسته که هر کدام با توجه به حدود وظایف خویش نقش خاصی در زندگی مشترک به عهده دارند. با توجه به عدم تشابه جسمی و روحی زن و مرد وظایف خاصی به هر کدام محول گردیده است. تأمین هزینه زندگی زن به مرد واگذار شده است تا زن مجبور نباشد جهت تهیه مایحتاج زندگی فشار زیادی را تحمل کند و بتواند مسئولیت اساسی خود یعنی تربیت فرزندان و نسل آینده جامعه را به انجام برساند، این امر در حکم عدم اشتغال زن نمی‌باشد. زن آزاد است در حدّ توان خود به کارهای خارج از خانه مشغول شود و در تأمین درآمد خود از استقلال کامل برخوردار گردد. اما این مسئله نباید به بزرگ‌ترین دغدغه و مهم‌ترین مسئولیت او تبدیل گردد.

## ۳- سرمایه خانواده

از نخستین روزهایی که مفهوم «سرمایه اجتماعی» در جامعه‌شناسی، مطرح شد و جای خود را باز کرد تا به امروز شاهد گستره وسیعی از مفاهیم و معانی دوباره آن بوده و هستیم. برخی سرمایه اجتماعی را به دلیل اشاره به طیفی گسترده از معانی، مصداق «مفهوم چتری»<sup>۱۱</sup> می‌دانند (Hirsch & Levin, 1999, p.11). یکی از تعاریف کلاسیک، سرمایه اجتماعی یک جامعه را بیانگر ساختار درونی آن یعنی پیوند بین افراد از یک طرف و

جامعه از طرف دیگر می‌داند (Adler & Kwon, 2002, pp.21-75). تعریف کلاسیک دیگر، سرمایه اجتماعی را سرجمع منابع اجتماعی بالفعل و بالقوه مناسبات اجتماعی می‌داند که افراد و واحدهای اجتماعی از آن برخوردارند (Nahapiet & Ghoshal, 1998, p.243). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در معنای سرمایه اجتماعی، با پیوستاری گسترده مواجه‌ایم. نکته دیگر در مورد این مفهوم و نظریه‌های مرتبط با آن، این است که در رویکرد کلاسیک، نقش «خانواده» کمتر مورد توجه قرار گرفته است. دو نکته فوق ضرورت تدقیق و بازتعریف جامع‌تر از سرمایه اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

مطالعات موجود نشان می‌دهد که مفهوم سرمایه اجتماعی آشکارا از دو سنت نظری متمایز سرچشمه گرفته است: یکی «هنجارهای اجتماعی و انسجام جامعه» (دورکیم<sup>۱۲</sup> ۱۹۵۱) و دیگری «نهادهای واسط و اعتماد اجتماعی» (دوتوکویل<sup>۱۳</sup> ۱۹۲۵)؛ در واقع اگرچه این دو خط فکری منجر به دو تفکر متفاوت در نظریه‌پردازی علمی در علوم اجتماعی شدند، اما در عین حال به سرمایه اجتماعی و به راهبردهای آزمون و کاربرد سیاست اجتماعی، رهنمون گردیدند.

دورکیم معتقد بود که زندگی اجتماعی، قابل تقلیل به آحاد جامعه نیست. آحاد جامعه در یک ساختار اجتماعی متشکل از انتظارات و التزامات عمومی (یک ساختار هنجارین) که زندگی اجتماعی را انتظام می‌بخشد، هویت یافته‌اند، بنابراین یک جامعه، بیش از جمع افراد تشکیل‌دهنده آن، متجلی می‌گردد.

کلمن (۱۹۸۸ و ۱۹۹۰) که معرفی‌کننده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی است، بیشتر به دورکیم گرایش داشت. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی آحاد جامعه را در ساختاری از تعهدات اجتماعی (که به واسطه وفاق اجتماعی آفریده شده است)، تجسد می‌بخشد. افراد می‌توانند به این ساختار به جهت کمک یا پشتیبانی نزدیک شوند، اما در عین حال ملزم به پاسخگویی به دیگران نیز می‌باشند. نظریه کلمن، نقش یکسانی را برای خانواده، مدرسه و اجتماعات بزرگ منظور می‌دارد؛ هرچند در آثار او تمرکز بیشتری نسبت به

12 . Durkheim

13 . De Tocqueville

ریزساختارها<sup>۱۴</sup> در مقایسه با درشت ساختارها، مشاهده می‌کنیم. تعهدات اجتماعی و اعمال متقابل در بحث‌های سرمایه اجتماعی او که بیشتر ناظر به خانواده و مدرسه بود، منجر به توفیقات دیدگاه‌های او در محافل دانشگاهی گردید. همچنین آثار او منجر به دامنه‌دار شدن پژوهش پیرامون شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات و جریان اطلاع‌رسانی شد (Burt, 1997).

از سوی دیگر، بوردیو<sup>۱۵</sup> (۱۹۸۶) بسط‌هایی را در نظریه بازتولید اجتماعی دورکیم پیشنهاد نمود. از دیدگاه بوردیو، خانواده منابع مادی و نمادین سرشار و در عین حال متفاوتی را به منصفه ظهور می‌رساند و می‌تواند برای اعضای خانواده مزایای متعددی به دنبال داشته باشد. اما اینکه چگونه خانواده‌ها این منابع را که اعضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تولید می‌کنند و به حرکت درمی‌آورند چیزی است که نمی‌توان نزد بوردیو از آن سراغی گرفت، بلکه احتمالاً در آثار کلمن بهتر می‌توان به جستجوی آن پرداخت.

با این حال، دانشمندان و جامعه‌شناسان سیاسی که مفهوم سرمایه اجتماعی را به کار می‌برند، بیشتر تحت تأثیر دوتوکویل هستند که آثارش به اکتشاف پیوندهای بین فرد و دولت و پاسخ به این سؤال پرداخته که نظام‌های سیاسی چگونه مشروعیت توده‌ای به دست می‌آورند و مشارکت سیاسی می‌آفرینند. پوتنام<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۰ و ۱۹۹۵)، طرفدار این سنت بود. علاقه پوتنام، بیشتر متمرکز بر آن گونه نظام اجتماعی و محلی بود که بتواند اعتماد اجتماعی (مشروعیت) و تعامل مدنی بالا تولید نماید. از این منظر، اگرچه سرمایه اجتماعی به عنوان یک ثروت اجتماعی در نظر گرفته شده، با این حال در ژرفا در سطوح فردی، اندازه‌گیری می‌شود.

پوتنام در مطالعات خود که از این منظر انجام شد، دریافت که نواحی مختلف ایتالیا (به رغم برخورداری از یک دولت، یک زبان و یک نظام حقوقی و اجتماعی)، از جهت توسعه‌یافتگی با هم تفاوت دارند. پرسش از چرایی این رویداد، انگیزه اصلی پوتنام گردید. پوتنام حاصل پژوهش‌های جامع کیفی - کمی خود را که از سال ۱۹۷۰ آغاز کرده بود، منتشر ساخت و در آن نشان داد که تأثیر دولت‌های محلی، وابستگی زیادی به سطح سرمایه اجتماعی هر منطقه

14 . Microstructuers

15 . Bourdieu

16 . Putnam

دارد. در شمال ایتالیا که شهروندان به نحو فعالی در سازمان‌های مدنی - مردمی، لیگ‌های فوتبال، انجمن‌های اختیاری و ... مشارکت دارند، دولت‌های محلی، در اقدامات داخلی، خلاقیت و ابتکارات، بسیار کارآمدتر هستند؛ در حالی که برعکس، در قسمت جنوبی ایتالیا که الگوهای مداخلات مدنی بسیار ضعیف‌تر می‌باشند، دولت‌های محلی کمتر کارآمد بوده و حتی با فساد مواجه هستند. یافته‌های پوتنام روشن می‌سازد که سرمایه اجتماعی، شهروندان را در راستای منافع متقابل به مشارکت با یکدیگر قادر می‌سازد، ضمن اینکه بر معماهای<sup>۱۷</sup> مستتر در عمل جمعی، غلبه می‌نماید. شهروندانی که در مناطقی زندگی می‌کنند که از سطح بالای سرمایه اجتماعی برخوردارند، بسیار متمایل به اعتماد ورزیدن به یکدیگر می‌باشند و به ارزش‌های «وحدت» و «عدالت» گرایش بیشتری دارند (روحانی، ۱۳۸۸، صص ۸۹-۸۰).

نگارنده اعتقاد دارد که امکان ترکیب دو سنت عمده فوق در نظریه‌های سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ به ویژه از آن رو که در هر دوی این سنت‌ها - ولو به تلویح - خانواده به مثابه عنصری مهم از سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. لذا ضمن تعقیب دیدگاه ترکیبی، به سنت دورکیم، کلمن و بوردیو توجه بیشتری نموده و به این ترتیب، سرمایه اجتماعی را چنین تعریف می‌نماید: «آن ذخیره اعتماد اجتماعی که در جریان هنجارهای مشارکتی، پدیدآمده و متضمن آن معنایی از عضویت مشترک است که طی آن افراد می‌توانند از تلاش‌های خود در راستای اهداف فردی و جمعی، نتایج مفیدتری را به دست آورند.» عضویت مشترک بازیگران (که اعضاء یک نظام خانواده را هم دربرمی‌گیرد)، می‌تواند منتهی به منافع ناشی از اهداف مشترک گردیده، حمایت‌ها، پیوندها و پشتیبانی‌ها از درون و بیرون آن خانواده را در پی داشته باشد. بنابراین در این تعریف، سرمایه اجتماعی اولاً (مانند سرمایه انسانی) فراهم‌آورنده فرصت‌های تازه در زندگی از طریق تحرک بخشیدن به پاداش‌های اجتماعی، تقویت معیارهای مشارکت جمعی و تحصیل پیوندها و دستیارها جهت وصول به اهداف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است؛ ثانیاً سرمایه خانواده عنصر مهمی در تشکیل سرمایه اجتماعی است و ثالثاً خانواده نقش مهمی در بازتوزیع سرمایه اجتماعی به عهده می‌گیرد. از این منظر، اندیشه‌ورزی در چگونگی سرمایه اجتماعی یک جامعه، محدود به ساختارهای اجتماعی مدرن نگردیده و



همچنین اعضای یک خانواده به مثابه بازیگرانی مهم، در بازتولید و بازتوزیع سرمایه اجتماعی، ایفای نقش می‌نمایند و والدین در این رویکرد، ظرفیت عظیمی را برای توسعه و تحقق اهداف جامعه، در دسترس قرار می‌دهند.

در نگرش به سرمایه خانواده، دو منظر را می‌توان انتخاب نمود: منظر درونی و منظر بیرونی. از منظر درونی، ارتباطات بین فردی اعضای خانواده، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از منظر بیرونی، به ارتباطات و پیوندهای خانواده (به مثابه یک کلیت) با اجتماعات پیرامونی، پرداخته می‌شود. نوع دیگر پرداختن به سرمایه خانواده، تعیین هویت مؤلفه‌های برساننده آن می‌باشد. این منظر می‌کوشد منابع برساننده و تعالی‌دهنده سرمایه خانواده را که در پیوندهای طبیعی بشری جای گرفته، باز شناخته و روش‌های ارتقاء آن را مورد توجه قرار دهد. نگارنده منظر اخیر را مطمح نظر قرار داده است.<sup>(۲)</sup>

#### ۴- ابعاد سرمایه خانواده

سرمایه اجتماعی از نظر مفهومی متشکل از سه بُعد است: ساختاری،<sup>۱۸</sup> شناختاری<sup>۱۹</sup> و مناسباتی<sup>۲۰</sup> (Nahapiet & Ghoshal, 1998, p.242) که ما می‌توانیم همین ابعاد را درباره سرمایه خانواده، ملحوظ داریم. بُعد ساختاری سرمایه خانواده به‌عنوان تعاملات اجتماعی (مشمول بر الگوهای پیوند فیما بین اعضای خانواده) تعریف می‌شود. از دیدگاه کلمن (۱۹۸۸) بُعد ساختاری اشاره به شدت و قوام ارتباطات بین اعضا و توانش آنها در بهره‌مندی و بازبهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی دارد. بُعد شناختاری نیز نظام‌های تفسیری و معنایی میان اعضا را فراهم می‌آورد (Nahapiet & Ghoshal, 1998, p.244). بُعد شناختاری همان چیزی است که دیدگاه‌ها و مقاصد مشترک، زبان، داستان‌ها و فرهنگ یک جمع در آن منعکس می‌باشد. کارویژه دیدگاه مشترک این است که ارتباطات مشترک و گردآمدن ایده‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد (Nahapiet & Ghoshal, 1998). بُعد مناسباتی سرمایه نیز مشتمل بر منابعی است که در اثناء مناسبات فردی (از قبیل اعتمادها، هنجارها، تعهدات و هویت) آفریده

18. Structure

19. Cognitive

20. Relational

می‌شود.<sup>(۳)</sup> در واقع همین بُعد است که پیوندهای دیرپا و چه بسا منحصر به فرد میان اعضا را پدید می‌آورد و رفتارهای تعاون‌گرایانه و پر ارتباط را ضمن پابندی به هدف مشترک، باعث می‌شود.<sup>(۴)</sup> در باب اهمیت این بُعد گفتنی است که اعتماد، بخش بسیار مهم در همکاری میان اعضاست.

اعتماد دو نوع است: شکننده<sup>۲۱</sup> و منعطف.<sup>۲۲</sup> اعتماد شکننده، اعتمادی است که ضمن دادوستدهای خشک رسمی (مثل اعطای یک جایزه) شکل می‌گیرد. این گونه اعتماد که بسیار به قواعد رسمی وابسته است، پیوندهای مستحکم در اعمال جمعی محسوب نمی‌گردد. در حالی که اعتماد منعطف، بر تعاملات متناوب بین افراد و جمع‌ها مبتنا دارد و صداقت اخلاقی<sup>۲۳</sup> را شکل می‌دهد. اعتماد منعطف، «سازنده انتظاراتی است که اعضا را به یک جمع، متصل می‌دارد» (Dess & Shaw, 2001, p.451). خانواده یکی از کانون‌های مهم و معتبر در ساخت اعتماد منعطف، دانسته می‌شود.

## ۵- ارتقاء سرمایه خانواده

۱- با توجه به تعریفی که از سرمایه اجتماعی نمودیم، روشن می‌شود که یک رابطه دو سویه و دیالکتیکی بین این سرمایه و سرمایه خانواده در جریان است. خانواده، سرمایه اجتماعی را دریافت و در شکل سرمایه خانواده، آن را بازتولید، بازآفرینی و با ارزش افزوده بیشتر آن را ذخیره می‌نماید. در رابطه متقابل، خانواده، سرمایه افزوده جدید را در محیط، عرضه و باعث تبلور بیشتر آن در اجتماعات متکثر پیرامون خانه (مدرسه، اجتماعات محلی و مذهبی و ...) می‌گردد.

تردیدی نیست که خانواده‌ها دارای ظرفیت‌های متفاوت در دریافت و انعکاس هنجارهای جمعی و سطوح اعتماد، تعهد و پیوستگی می‌باشند. با این حال، توان آفرینش باورها و التزامها که در اصل همان ظرفیت برقراری ارتباط با اجتماعات بیرونی مشابه (اعم از همسایه‌ها، نهادهای محلی و ...) می‌باشد، ظرفیت مهم یک خانواده محسوب گردیده و تفاوت تولید سرمایه

21. Bragile

22. Resilient

23. Moral integrity

خانواده‌ها به همین عنصر بازمی‌گردد. اگر چه ما در مورد این ظرفیت و نحوه ارتقای آن، دانش اندکی داریم؛ با این حال می‌توانیم در مورد منابع تفاوت در خلق سرمایه خانواده، به نظرورزی دست بزنیم. تردیدی نیست که تفاوت‌های فردی، جزء مهمی در آفرینش سرمایه خانواده می‌باشد. یک پژوهشگر خانواده در مطالعات خود دریافت که ۵۰ سال پیش موفقیت ازدواج‌ها به سطوح طبقه‌ای، نژادی و وصلت با خودی<sup>۲۴</sup> ارتباط داشته است (Coontz, 2005, p.14). این پدیده بسیار شبیه آن چیزی است که بورديو آن را «وابستگی علایق»<sup>۲۵</sup> می‌خواند. درست است که در این نوع ازدواج‌ها به دلیل شباهت‌های زمینه‌ای، زن و شوهر دیدگاه‌های نزدیک‌تری دارند، با این حال دو مشکل پدید می‌آید: نخست اینکه یک چنین خانواده‌هایی در برقراری ارتباط با اجتماعات متکثر پیرامونی، دچار مشکل خواهند شد و تبادل سرمایه خانواده با سرمایه اجتماعی حالت فرساینده و کاهشی می‌گیرد، دوم اینکه انسجام علایق بورديو، بیشتر در مورد یک جامعه منفک و جداافتاده صدق می‌کند و بیشتر قبیله‌گرایانه بوده و مربوط به دوران‌های خیلی گذشته است. دورکیم به‌گونه‌ای دیگر از انسجام اشاره دارد که او آن را «وابستگی اندام‌وار»<sup>۲۶</sup> می‌خواند و اشاره به حالتی دارد که پیوند اعضای خانواده به‌جای سازگاری علائق در زندگی، بر «مکملیت»<sup>۲۷</sup> زن و شوهر ابنا دارد (Furstenberg, 2005). بنابراین یکی از طرق ارتقاء سرمایه خانواده، گزینش رویکرد «وابستگی اندام‌وار» و کوشش در راستای برهم زدن تصلبات قومی - قبیله‌ای و سعی در بسط زناشویی‌های غیرخودی است.

۲- کمتر تردیدی در این قول وجود دارد که سرپرستی کودک توسط والدین، مؤثرتر از یک والد (یا والده) است؛ البته نکته ظریفی در اینجا وجود دارد و آن اینکه زمانی این قول از صحت برخوردار خواهد بود که والدین به نحو صحیح، پشتیبان یکدیگر بوده و توانش‌های تربیتی یکدیگر را تقویت نمایند. در واقع یکی از طرق ارتقاء سرمایه اجتماعی، ارتقاء توانش تربیتی والدین است. البته هنوز معلوم نیست که معاضدت پدر و مادر چگونه بر ارتقاء سرمایه خانواده (و بالطبع سرمایه اجتماعی) کمک می‌نماید، با این حال در نفس ارتقاء تردیدی نیست.

24. Endogamy

25 . Solidarity of Interests

26 . Organic Solidarity

27 . Complementarity

در یک محیط خانوادگی که مبتنی بر معاضدت تربیتی پدر و مادر است، فرزند به خوبی با جهان خارج ارتباط می‌گیرد؛ ارتباطی که پورتز آن را پُل‌بندی سرمایه اجتماعی می‌خواند (Portes, 1998, p.12).

۳- حضور فرزند، مقتضای آن است که والدین به بسط پیوندهای بیرونی خود با سایر خویشاوندان و همسایگان و همچنین نهادهای اجتماعی محلی، بپردازند. تجربه نشان داده که فرزند در بسیاری خانواده‌ها، در برقراری این پیوندها و عرضه ارتباطات عقلانی قوی با بیرون خانوار، عهده‌دار نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای است (Furstenberg, 2005).

۴- پیشتر اشاره شد که سرمایه اجتماعی، ثروتی نیست که در سطح فردی مطرح باشد. آحاد جامعه به سطوح مختلف سرمایه اجتماعی دسترسی دارند. با این حال معتقدم که تمام خانواده‌ها و تمام افراد جامعه به طور مساوی از عواید این سرمایه برخوردار نیستند. بنابراین یکی از طرق ارتقاء سرمایه خانواده، ارتقاء ظرفیت برخورداری خانواده از سرمایه اجتماعی موجود در جامعه است.

مهارت دستیابی به سرمایه اجتماعی، موضوعی تازه است و اخیراً به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در کار والدین، مورد توجه قرار گرفته است. اینکه چگونه والدین، فرصت‌ها و تهدیدها را با هدایت منابع به سوی فرزندان خود مدیریت می‌کنند، موضوع مهمی شده است. آشکار است که این امر به راهبرد والدین در سرمایه‌گذاری‌های تربیتی فرزندان، مربوط می‌گردد. والدینی که در محیط‌هایی هستند که سرمایه اجتماعی محدودی در اختیار دارند، باید مهارت و فراست بیشتری در انباشت و کاربرد آن داشته باشند. از سوی دیگر فرزندان نیز باید مهارت‌های لازم را برای تعادل‌بخشی به عرضه و تقاضای سرمایه اجتماعی در محیط خود، کسب نمایند. تردیدی نیست که توانش فرزندان در این‌باره وابسته است به: ۱. سطح فراگیری اجتماعی و ۲. تفاوت‌های روحی. یک مطالعه تطبیقی بین دانش‌آموزان ایتالیایی و آمریکایی که توسط کورسارو<sup>۲۸</sup> (۱۹۹۴) انجام شده نشان می‌دهد که دانش‌آموز، چگونگی مدیریت کردن مناسبات بین هم‌تایان و معلم خود را فرا می‌گیرد. تحقیق دیگری در مورد خانوارهای برخوردار و غیربرخوردار، از ثروتی سخن می‌گوید که در سرمایه اجتماعی منعکس است و فرزندان را برای

بسط مهارت‌ها در مدیریت مناسبات اجتماعی در درون و بیرون خانواده‌ها، آموزش می‌دهد (Caplan & Whitmore, 1991). این خط پژوهشی، برای ما روشن می‌سازد که چگونه فرزندان و والدین باید مهارت پیدا کنند تا بتوانند سرمایه اجتماعی را در راستای مقاصد خود به کار ببرند.

۵ - دس و شاو<sup>۲۹</sup> به استناد هنجارها، ارزش‌ها، همکاری‌ها، چشم‌اندازها و اعتماد موجود در یک خانواده، نشان داده‌اند که در مورد خانواده‌هایی که در مزرعه کار می‌کنند، زمانی سطح بالایی از سرمایه اجتماعی در خانواده پدید می‌آید که زن و شوهر با یکدیگر کار می‌کنند و فرزندان را نیز درگیر کار در مزرعه می‌نمایند (Dess & Show, 2001). برخی محققان به روی مزیت رقابتی موجود در کسب و کار خانواده اشاره می‌کنند؛ مزیتی که بنگاه‌های غیر خانوادگی از آن محروم‌اند (Habbershon, et al, 2003, p.451). در این خانواده‌ها هرگاه از سوی کسی درخواست کمک می‌شود، همین که کودکان به کمک کردن مجازند (اگر چه کسی انتظار چندانی از آنها ندارد) خود منجر به آفرینش معنایی از التزامات، ریشه‌دار در طول نسل‌های خانواده می‌گردد و به تدریج کودکان تبدیل به بازیگران کامل در نظام خانواده می‌گردند (Chua, et al, 1999 p.22). به این ترتیب رویکرد جدیدی در ارتقاء سرمایه خانواده مطرح می‌شود که در دوران مدرن، عمدتاً برخلاف آن نظر داده می‌شده است. این رویکرد جدید که تصادفاً با بافت اجتماعی - اقتصادی جامعه ما و دیگر جوامع در حال توسعه، سازگاری دارد، تشویق خانواده‌ها به دستیابی به کسب و کار و فعالیت اقتصادی خانوادگی است.

## ۶- تغییرات مدرن در الگوی خانواده ایرانی و تأثیر آن بر سرمایه خانواده

خانواده در دوران حاضر، دستخوش تغییرات وسیعی شده که نه تنها نسبت به قرن‌های گذشته، بلکه نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت یافته و بر سطح سرمایه خانواده در جامعه ایرانی تأثیر گذارده است. صنعتی‌شدن و شهری‌شدن دو فرایندی هستند که تغییرات جدیدی

را در زندگی فردی و اجتماعی به وجود آورده‌اند. برخی از این تغییرات، دارای آثار مثبت و برخی، واجد تأثیر منفی بر سطح سرمایه خانواده بوده‌اند. عمده‌ترین این تغییرات عبارت‌اند از: تغییرات در ساختار اشتغال، تغییرات جمعیت‌شناسی و سن جمعیت، (گسترش امید به زندگی و افزایش افراد مسن)، کوتاه‌شدن دوره باروری به دلیل تغییرات شغلی و فرهنگی، پایان خانواده‌های بزرگ و چندنسلی به دلیل شرایط زندگی در حوزه‌های شهری، کاهش پیوندهای درون نسلی، جدایی محل کار از محل زندگی، افزایش تحصیلات و اشتغال زنان به ویژه زنان متأهل، تغییر در روابط میان همسایگان، تضعیف فراوانی و صمیمیت روابط میان اعضای خانواده، افزایش تعداد خانواده‌های هسته‌ای، کاهش همبستگی خانواده‌های چندنسلی، رشد جدایی فیزیکی میان افراد مسن و کودکان و کاهش تعداد وظایفی که توسط خانواده‌ها و خویشاوندان اجرا می‌شده است. در این قسمت مهم‌ترین آنها از منظر تغییرات سرمایه خانواده، مرور می‌شود.

## ۶-۱- تغییرات الگوی ازدواج در ۵۰ سال اخیر

از اوایل سده گذشته در ایران جریانی شروع شد که به‌طور تدریجی تغییرات به سمت خانواده هسته‌ای به شکل حاضر پدید آمد (بهنام، ۱۳۸۳، ص ۹۰). اکنون توقعات تازه‌ای چون میل به داشتن خانه شخصی، تمول و تجمل زندگی و ذوق مصارف گزاف (به هم‌چشمی دیگران) ظهور یافته است. عامل مهم دیگری که میل به ازدواج را محدود کرد، دید متفاوتی است که مردم این عصر درباره ازدواج و همسر آینده خود پیدا کرده‌اند؛ آسان‌گیری و زودپسندی قدیم کمیاب شده است. این انتظارات جدید منجر به کاسته‌شدن بُعد ساختاری سرمایه خانواده در جامعه امروز گردیده است.

اما از سوی دیگر، الگوی ازدواج در ایران همچنان بر مدار ازدواج‌های فامیلی می‌چرخد. ازدواج‌های فامیلی معمولاً تأییدی بر ازدواج‌های قشری هستند. ازدواج‌های درون‌همسری - همان‌طور که گذشت - ابدأ نمی‌توانند در ارتقاء وابستگی و انسجام اندام‌وار، کمکی باشند و مضافاً بُعد ساختاری و شناختاری سرمایه خانواده را تضعیف می‌نمایند.

## ۶-۲- تغییرات الگوی تحصیلات و اشتغال زنان

گرایش به تحصیلات، به ویژه تحصیلات زنان، سبک زندگی را تغییر داده است. در گذشته در یک روستا حداکثر یک مکتب‌خانه وجود داشت و عده‌ای از دختران برای آموزش قرآن و

زبان فارسی در حدی که بتوانند متن قرآن را قرائت کنند و متونی چون گلستان سعدی را بخوانند، در آنجا تحصیل می‌کردند. اما با توسعه آموزش و پرورش و آموزش عالی و حضور زنان در این مراکز علمی، شرایط کاملاً تغییر کرده است. به‌ویژه در دهه اخیر، بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان و دانشجویان مراکز علمی و آموزشی، خانم‌ها هستند؛ حتی در کنکور، ورودی زنان به دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر از پنجاه درصد فراتر رفته و در بسیاری از رشته‌ها تعداد قبولی دختران بیش از پسران است.

در سال ۱۳۳۵، فقط ۸ درصد از زنان کشور باسواد بودند و تا قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۵) این نسبت حدود ۲۶ درصد بوده که در سال ۱۳۶۵، به ۵۲ درصد و در سال ۱۳۷۵، به حدود ۷۴ درصد رسیده است؛ یعنی میزان باسوادی زنان بعد از انقلاب حدود ۳ برابر نسبت به قبل از انقلاب افزایش یافته است. این افزایش در مناطق روستایی رشد بسیار بالاتری داشته، به طوری که میزان باسوادی زنان روستایی از ۱/۲ درصد در سال ۱۳۳۵، به حدود ۶۲ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است (آزاد، ۱۳۸۶ ص ۶۷). از سوی دیگر همراه با دگرگونی در ساخت و کارکردهای خانواده و همچنین با اقدام در جهت سرعت‌بخشیدن به این دگرگونی، پایگاه زن دچار تغییر شده است. صنعت و شهرنشینی به زن امکان یافتن شغلی خارج از خانه را داد (روشه، ۱۳۶۸ ص ۱۷۴). در گذشته وظیفه زنان عبارت بود از بارداری در سال‌های جوانی، پرستاری از نوزادان، مراقبت از آنها به هنگام بیماری و پرورش آنها اگر بقا می‌یافتند. نهضت‌های زنان در جوامع غربی برعکس، هدفش حق رأی، حق اشتغال در سازمان‌های عمومی، حق مالکیت و به خصوص حق ورود به دانشگاه‌ها بود (لنسکی، ۱۳۷۴، ص ۴۷۵). تردیدی نیست که افزایش تحصیلات زنان، مهم‌ترین تأثیر را به‌نحو مثبت بر بُعد شناختاری سرمایه خانواده می‌گذارد. با این حال بررسی چگونگی تأثیر اشتغال زنان بر سرمایه خانواده در ایران، نیازمند پژوهش‌های دقیق‌تری است، زیرا شواهد موجود در متغیر اشتغال زنان در پاره‌ای موارد مؤید افزایش بُعد شناختاری و در مواردی مؤید کاهش در ابعاد ساختاری و مناسباتی است. با توجه به اجتناب‌ناپذیر بودن اشتغال زنان در جامعه امروز، ضروری به‌نظر می‌رسد که سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی به‌گونه‌ای انتخاب گردند که اشتغال زنان، تزامنی برای ابعاد ساختاری و مناسباتی سرمایه خانواده پدید نیآورد.

### ۶-۳- تغییر نگرش نسبت به تقدس ازدواج

تضعیف مسائل اخلاقی و معنوی و سست شدن روابط عاطفی در جامعه، بر جایگاه خانواده تأثیر منفی گذاشته است. این تقدس‌زدایی اینک خطری برای استحکام خانواده گردیده است. اکنون ازدواج، بیشتر یک قرارداد است تا یک امر مقدس که نهاد خانواده را تشکیل می‌دهد (سگاین، ۱۳۷۰، ص ۱۲۸). شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «دست توانای خلقت برای ایجاد، بقا و تربیت نسل‌های آینده، علائق نیرومند زن و شوهری را از یک طرف و علائق پدر و فرزندی را از طرف دیگر به وجود آورده است، عواطف اجتماعی و انسانی در محیط خانوادگی رشد می‌کنند و محیط فطری و طبیعی پدر و مادر روح کودک را نرم و ملایم می‌کند. ما وقتی می‌خواهیم عواطف دو نفر را نسبت به یکدیگر تحریک کنیم، می‌گوییم افراد یک ملت برادر یکدیگرند یا می‌گوییم همه افراد بشر عضو یک خانواده‌اند. به طوری که در قرآن کریم نیز آمده: "انما المؤمنون اخوه"، عواطف برادری تنها از همخونی و خویشاوندی پیدا نمی‌شود؛ عمده آن است که دو برادر در یک کانون محبت بزرگ می‌شوند» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۶۴۹).

### ۶-۴- تغییر الگوی رسانه‌ای و ارتباطی

نظام ارتباطی جدید مانند اینترنت و تلویزیون موجب شده است که اعضای خانواده هر کدام «فردی» زندگی کنند؛ در گذشته اعضای خانواده کنار هم جمع می‌شدند، با هم درد دل می‌کردند و به هم مشورت می‌دادند، اما وسائل ارتباط جمعی جدید اعضای خانواده را از هم جدا کرده و هر یک از اعضای خانواده در گوشه‌ای از منزل سرگرم رسیدگی به کار خود (با کامپیوتر، تلویزیون و...) می‌باشد. به تدریج پیوند اعضای خانواده روزبه روز ضعیف‌تر می‌شود. هم‌اکنون، عمده منابع هویت‌ساز از طریق شبکه ارتباطات شکل می‌گیرد و خود به معنای تضعیف شدید بُعد مناسباتی سرمایه خانواده است. دیگر در جامعه تکنولوژیک جدید، از وحدت مذهبی و اخلاقی که مشخصه جامعه سنتی بود، اثری نیست (روشه، ۱۳۶۸، ص ۱۰۱). بنابراین، خانواده امروز نه تنها کمتر تولیدکننده سرمایه‌ای است که در ارزش‌آفرینی و بازتولید سرمایه اجتماعی، از ظرفیت مشابه قبل برخوردار نیست.



## ۶-۵- تغییر در اندازه خانواده

پژوهش‌های انجام‌شده حکایت از آن دارد که زنان شاغل و زنانی که برای ورود به نیروی کار برنامه‌ریزی می‌کنند، انتظار فرزندان کمتری دارند و در واقع فرزندان کمتری نیز می‌آورند، دیرتر ازدواج می‌کنند و احتمال اینکه بدون فرزند بمانند، بیشتر است (بستان، ۱۳۸۵، ص ۷۲). از سوی دیگر آموزش، دانش‌آموختگان را در معرض مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورها در مورد مزایای خانواده مدرن غربی نسبت به دیگر اشکال خانواده قرار داده است. ازدواج در سنین بالاتر نیز به تعویق زمان آغاز دوره فرزندآوری و کاهش قابلیت بارداری برای زنان منجر می‌شود (عباسی شوازی، ۱۳۸۴، صص ۹-۳۸).

در ایران برآوردهای انجام‌شده از روند تحولات باروری حاکی از این است که میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند در سال ۱۳۴۵، به ۶/۳ فرزند در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است. بعد از این کاهش اولیه، موقتاً وقفه‌ای در گذار جمعیتی ایران پدید می‌آید (Aghajanian, 1999) و سپس تحت تأثیر شرایط خاص متأثر از رویداد انقلاب اسلامی، باروری در بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۶ اندکی افزایش یافته و سپس تا حوالی سال ۱۳۶۳ روند نسبتاً ثابتی را ادامه می‌دهد. از سال ۱۳۶۳ به بعد دوباره به تدریج روند کاهش باروری آغاز می‌شود و از ۶/۹ فرزند برای هر زن در این سال، به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ می‌رسد و از این زمان به بعد سرعت روند نزولی خود را طی کرده و میزان باروری کل به ۲/۱۷ در سال ۱۳۷۹ رسیده است (عباسی شوازی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). از سوی دیگر تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان در ایران خواهان دو فرزند بوده‌اند که عمدتاً یک دختر و یک پسر بوده است (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۲۲). امروزه به دلیل شرایط اقتصادی موجود، کودک، بیشتر سربار اقتصادی خانواده محسوب می‌شود و نه کمک خانواده (کوئن، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴). با این همه باید گفت کاهش اندازه خانواده، به تنهایی تهدید برای سرمایه خانواده محسوب نمی‌گردد، اما اگر با دیگر عوامل منفی همزمان گردد، می‌تواند به عنوان یک تهدید وارد عمل شود.

## ۶-۶- افزایش تجرد و طلاق

در دوران معاصر، کاهش ازدواج از سال ۱۹۶۶ از سوئد و سپس دانمارک شروع می‌شود. این پدیده در دهه ۱۹۷۰ رفته‌رفته از شمال تا جنوب اروپا و کشورهای غربی آن سوی اقیانوس را دربرمی‌گیرد. میزان ازدواج‌های اول به سرعت کاهش می‌یابد و ازدواج‌های مجدد نیز کاهش می‌یابند. از بین ۱۰۰۰ نفر طلاق‌گرفته، نسبت مردان و زنانی که به ازدواج مجدد می‌پردازند، قبلاً نزدیک به ۷۰ درصد بوده و اکنون گاهی به زیر ۵۰ درصد و حتی ۴۰ درصد کاهش یافته است. اکنون در مقایسه با گذشته، نسبت بیشتری از افراد میان سنین بیست تا سی سال غیرمتاهل هستند. اما در سنین حدود سی و پنج تا سی و نه سالگی تنها اقلیت کوچکی از مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده‌اند. اکثریت افراد مجرد سی تا پنجاه ساله را کسانی تشکیل می‌دهند که طلاق گرفته و در وضعیت بین دو ازدواج قرار دارند (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۴۴۳).

در ایالات متحده که شمار طلاق در سال ۱۸۹۰ از ۰/۵ در هزار نفر جمعیت تجاوز نمی‌کرد (فولان، ۱۳۸۰، ص ۴۵۸)، بعد از جنگ دوم جهانی تعداد طلاق به شدت افزایش می‌یابد (میشل، ۱۳۵۴، ص ۱۲۹). در بریتانیا میزان طلاق از ۲/۸ مورد به ازای هر هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۸۱، به ۳/۱ مورد در هزار نفر جمعیت در سال ۱۹۹۳ رسیده است. در مقایسه در اتحادیه اروپا میانگین این میزان از ۱/۵ در هزار در ۱۹۸۱ به ۱/۷ در هزار در سال ۱۹۹۳ رسید (برناردز، ۱۳۸۴، صص ۴-۴۳). میزان طلاق در کانادا از ۳۸ در هر صد هزار نفر در سال ۱۹۵۱، به بیش از ۲۷۰ در هر صد هزار نفر در سال ۱۹۹۱ رسید و در تعدادی از کشورهای اروپایی هر سال بیش از ۳۰۰ طلاق در مقابل ۱۰۰۰ ازدواج واقع می‌شود (بستان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۸).

در گذشته‌ها، طلاق هرچند که برای مردان ایرانی به سادگی امکان داشته، اما چندان زیاد نبوده و اساساً مذموم به حساب می‌آمده است (اعزاز، ۱۳۷۶، ص ۵۶)، اما بعدها تعداد آن افزایش یافته است. به حسب آمار، نسبت تعداد ازدواج‌ها به تعداد طلاق‌ها در کل کشور در سال ۱۳۷۹، ۱۲ بوده است، به این معنا که در برابر هر ۱۲۰ ازدواج، ۱۰ طلاق به ثبت رسیده است. در حالی که این نسبت در مورد استان تهران ۶/۱ بوده است. یعنی در مقابل هر ۱۰ ازدواج، ۶/۱ مورد طلاق صورت گرفته است (بستان، ۱۳۸۵، ص ۲۳۸). در ارتباط با علل و عوامل مؤثر

بر میزان طلاق، نظرات مختلفی عنوان می‌شود. چرلین معتقد است که در کشورهای غربی تغییر معنای ازدواج (از یک نهاد اجتماعی به یک زندگی مشترک) در افزایش میزان آن مؤثر بوده است. همچنین در این دسته از کشورها ارتقاء سطح زندگی، استقلال اقتصادی بیشتر زنان، انتظارات بیشتر زوجین از ازدواج و کاهش تصور نامطلوب از مطلقه‌بودن از عواملی بوده که به افزایش میزان طلاق دامن زده است (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

به نظر کومی بین نرخ طلاق و فعالیت شغلی زن همبستگی بارز وجود دارد. در صورت جدایی زن و شوهر، زن مطلقه از استقلال نسبی برخوردار است، در واقع هرچه پایگاه اجتماعی زن بالاتر باشد، راحت‌تر برای طلاق اقدام می‌کند. در یک چارچوب کلی عوامل مؤثر بر طلاق را می‌توان به عوامل زیستی (عدم تناسب سن ازدواج، بیماری، نازایی)، عوامل اجتماعی و روانی - اجتماعی (احساس نارضایتی، ناهماهنگی میزان زوجها، فشارهای عصبی و خشونت)، عوامل اقتصادی (فقر و فقدان منابع مالی و امکانات، خست‌مرد، تجمل‌پرستی زن) و عوامل فرهنگی تقسیم‌بندی نمود (بستان، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

به نظر گیدنز عوامل متعددی در افزایش طلاق مؤثر است که مربوط به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر می‌شوند. به تدریج که زنان از نظر اقتصادی استقلال بیشتری پیدا می‌کنند ازدواج، کمتر یک ضرورت اقتصادی (مانند گذشته) است. به طور کلی رفاه بیشتر به این معناست که در صورت نارضایتی از زناشویی اکنون آسان‌تر از آنچه در گذشته ممکن بود، می‌توان خانه جداگانه‌ای تشکیل داد (گیدنز، ۱۳۷۳، ص ۴۲۷).

طلاق به هر دلیل که صورت می‌گیرد و تجرد به هر علت که گسترش می‌یابد، در این حقیقت تردیدی نیست که تهدیدی بزرگ نسبت به سرمایه خانواده، شکل می‌گیرد. بسط طلاق و تجردگرایی، مترادف با بسط «اتمیسیم» در زندگی اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی است و اگرچه این پدیده، متأسفانه همزاد مدرنیته، شهرنشینی و زندگی صنعتی است، کمتر تردیدی درباره خسران آن وجود دارد. در جوامعی مانند جامعه ما که هنوز ظرفیت‌های سنتی مثبت و توانمندی در آن وجود دارد (در مقایسه با جوامع غربی) شاید آسان‌تر بتوان بر این تهدید غلبه کرد.

## ۷- راهبردهایی جهت ارتقاء سرمایه خانواده در کشور

۱- انسان‌ها نیازمند الگو برای شکل‌دادن به زندگی خود هستند و در امر ازدواج و تشکیل خانواده نیز پیروی از الگویی از خانواده که مظهر عاطفه، محبت، سعادت و توفیق باشد، امری ضروری است. خوب است جوانان جامعه ما برای اقبال بیشتر به خانواده نمونه صدر اسلام (یعنی علی و فاطمه) را به‌عنوان الگوی بیشتر تشویق شوند. اجرای دستورات دینی در خصوص تربیت فرزندان صالح و تعمیق مبانی عقیدتی و ارزش‌های دینی در خانواده به استحکام آن کمک شایانی خواهد کرد.

۲- وفاداری زن و شوهر به همدیگر و رعایت حقوق طرفین و احترام «متقابل» که در آیات و روایات اسلامی بر آن تأکید شده نیز امری واجب و ضروری است. حضرت علی می‌فرماید: «جهاد المرء حسن التبعّل» به این معنی که: جهاد زن، شوهرداری مطلوب و نیکو است. و «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» یعنی کسی که برای تأمین نیازمندی‌های خانواده تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند. لذا وقتی دیدگاه‌های زن و مرد بر این مبانی استوار باشد، شالوده خانواده هر روز محکم‌تر از روز پیش خواهد بود و خطری آن را تهدید نخواهد کرد.

۳- تسامح به معنی عدم سخت‌گیری و گذشت در مسائل فکری و اعتقادی. بیان قرآن در این زمینه چنین است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نُوحٍ وَ امْرَأةً لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا». خداوند برای کسانی که کفر ورزیدند، همسر نوح و همسر لوط را مثال می‌زند که تحت زوجیت دو بنده صالح از بندگان ما بودند، به شوهرانشان خیانت کردند و همسر پیامبر بودن در عذاب آنها تأثیری نداشت (سوره تحریم، آیه ۱۰). قرآن به مسئله بسیار مهمی اشاره و از همسران دو پیغمبر یاد می‌کند. نوح پیامبر و لوط پیامبر که از پیامبران بزرگ الهی بوده‌اند، همسران آنها کافر بودند و به راه حق ایمان نیاوردند. یک پیغمبر خدا با زنی زندگی می‌کند که در اصولی‌ترین مسئله دینی و اعتقادی اختلاف عمیقی با او دارد و قرآن می‌گوید اینها کفر ورزیدند و اصلاً ایمان نیاوردند.

به این ترتیب مشاهده می‌شود که در داخل خاندان رسالت تا این حد تسامح بوده و پیغمبر خدا با زنی که اساساً کفر می‌ورزیده و کافر بوده، در داخل یک خانه زندگی می‌کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که بحث تسامح چه جایگاهی در داخل خانواده‌ها دارد. از سوی

دیگر قرآن مثال دیگری دارد: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائْتِنِي لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ». خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، زن فرعون را مثل می‌زند که از خداوند می‌خواهد او را از فرعون و کارهای وی رهایی بخشد و بهشت را نصیب او کند (سوره تحریم، آیه ۱۱). زنی در داخل خانه فرعون به عنوان همسر آن حاکم ستمگر زندگی می‌کرده که باایمان و معتقد بوده و از خداوند تقاضای نجات خود را دارد، ولی سال‌ها این بانوی مؤمنه با شوهری چون فرعون زندگی کرده است. به این ترتیب می‌بینیم که در قرون گذشته در داخل یک خانه افراد باایمان در زمینه مسائل فکری و اعتقادی، بالاترین تسامح و گذشت را داشته‌اند.

در بافت زندگی‌های جدید، تحمل طرفین کاهش یافته، در حالی که قرآن به نمونه‌های والایی از تسامح اشاره کرده است. وفاداری، تعهد، گذشت و عشق پایه‌های اصلی استحکام خانواده است و طبق آیه شریفه قرآن باید مودت، رحمت و محبت در خانواده‌ها شکل بگیرد (سوره روم، آیه ۲۱).

۴. میانه‌روی، اعتدال و قناعت در زندگی و جلوگیری از اسراف و تبذیر در زندگی خانوادگی باعث ارتقای سرمایه خانواده و تداوم عزت آن و همچنین درسی برای فرزندان در آینده خواهد بود. باید این تفسیر غلط از زندگی (که مدرنیته در آن بی‌نقش نبوده) دائر بر مصرف بیشتر و کوشش طاقت‌فرسا برای به‌دست آوردن منابع مالی برای این مصرف، جای خود را به گفتمان قناعت، شادمانی روانی و شکرگزاری بابت «نعمت‌ها» و «داشته‌ها» بدهد. اهمیت این امر را می‌توان در دیدگاه‌های جدید الگوی توسعه که خواستار جایگزینی GDP<sup>۳۰</sup> با GDH<sup>۳۱</sup> هستند، مشاهده نمود.

۵. باید سمت و سوی آموزش‌های خانواده در کلیه سطوح، متضمن تشویق به همسرگزینی از طوایف و اقوام دیگر باشد به جای آنکه درون خویشاوندی و درون طایفه‌ای، مبنای عمل واقع گردد. تفاوت این دو رویکرد از دیدگاه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، بسیار حائز اهمیت است.

30 . Gross Domestic Production

31 . Gross Domestic Happiness

۶. با توجه به تفاوت مناطق مختلف از نظر سطوح سرمایه اجتماعی و همچنین تفاوت خانواده‌ها از نظر سطح سرمایه خانواده، لازم است مهارت‌های مربوط به جذب سرمایه اجتماعی به فرزندان و والدین آموزش داده شود.

۷. با توجه به تأثیرات وسیع و مثبت کسب و کار خانواده بر سرمایه خانواده، لازم است رویکرد سنتی روستاها در کسب و کار خانوادگی، بازخوانی شده و در اشکال مطلوب‌تر و با حمایت دولت در کلیه سطوح شهری و روستایی، بسط داده شود.

۸. فعالیت‌های غیردولتی در زمینه مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج و کمک‌های حمایتی آنها نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است که البته در سال‌های اخیر این تشکلهای فعالیت‌های خوبی داشته‌اند.

## ۸- پژوهش‌های آینده

مطالعات جامع در خصوص چگونگی پیوندهای سرمایه خانواده و سرمایه اجتماعی، چشم‌اندازهای نوینی را مطرح می‌نماید که لازم است در خانواده‌پژوهی‌های آینده، مطمح نظر قرار گیرد. برای رسیدن به این مقصد، لازم است که به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. رابطه دیالکتیکی سرمایه خانواده و سرمایه اجتماعی چگونه است؟
  ۲. خانواده‌ها چگونه سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند؟
  ۳. آثار بسط کامیابانه سرمایه اجتماعی بر اعضای خانواده چه خواهد بود؟
  ۴. سرمایه اجتماعی چگونه به تحقق اهداف خانواده، کمک می‌کند؟
- نکته دیگر آنکه گرایش به مقوله سرمایه اجتماعی، تمایل وافر به اندازه‌گیری را باعث شده است. اندازه‌گیری‌های سطح خرد و سطح کلان از نموده‌های سرمایه اجتماعی، تفاوت زیادی با هم دارند و بنابراین چالشی درباره مقیاس‌های ابعاد سرمایه اجتماعی وجود دارد. لذا محققانی که سرمایه اجتماعی را از مجاری مختلف یا پارادایم‌های پژوهشی گوناگون (کیفی یا کمی) به دست آورده، چه بسا با تردید مواجه شود. هنوز مشخص نیست که اندازه‌گیری‌های به کار رفته برای تعیین سرمایه اجتماعی در سطح ملی بتواند برای اجتماعاتی همچون سرمایه خانواده، مناسب باشد. بنابراین باید در مورد اندازه‌گیری سرمایه خانواده، رویکرد مناسب یافته شود. نکته سوم آنکه پژوهشگران معمولاً اندازه‌گیری‌های یک سرمایه اجتماعی را با نتایج دسترسی به خود آن سرمایه اشتباه می‌گیرند. با در نظر گرفتن این اشتباه و دیگر اشتباهات رایج در

اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی و سرمایه خانواده، ضروری به نظر می‌رسد که دو سطح مختلف را جدا از هم در نظر بگیریم: (۱) سطح سرمایه اجتماعی‌ای که در خانواده‌ها وجود دارد (سرمایه خانواده موجود) و (۲) دستیابی یا امکان استفاده از سرمایه در دسترس در خانواده‌ها؛ و نباید این دو با یکدیگر خلط گردد.

## فرجام

۱- به‌رغم کثرت در تعریف سرمایه اجتماعی و به‌رغم نقش و کارکرد خانواده در بازتولید این سرمایه، تاکنون کمتر شاهد پرداختن به «سرمایه خانواده» و مناسبات متقابل آن با سرمایه اجتماعی بوده‌ایم. مقاله حاضر، با رجوع به پیشینه دیدگاه‌های بنیانگذاران آن، دورکیم و دوتوکویل و تفسیرهای کلمن و بوردیو، تعریفی از سرمایه اجتماعی به‌دست می‌دهد که جا برای مفهوم سرمایه خانواده، گشوده می‌شود.

۲- سرمایه خانواده و سرمایه اجتماعی دارای پیوندهایی دیالکتیکی و هم‌افزا با یکدیگر هستند. ضمناً هر یک از ابعاد ساختاری، شناختاری و مناسباتی سرمایه خانواده، ایفاگر یک نقش مهم در ارتقاء یا نزول این سرمایه می‌باشند. از این منظر و با عنایت به تحولاتی که در دهه‌های اخیر در امر خانواده در جامعه ما پدید آمده، چالش‌های موجود، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳- تغییرات الگوی ازدواج در ۵۰ سال اخیر، منجر به کاسته‌شدن از بُعد ساختاری سرمایه خانواده در جامعه امروزین ما شده است. تهدیدات ناشی از تداوم ازدواج‌های درون‌همسری، همچنان متوجه بُعد شناختاری سرمایه خانواده است.

۴- افزایش سطح تحصیل زنان، اثر مثبت فراوانی بر بُعد شناختاری سرمایه خانواده بر جای نهاده است. تغییرات سطح اشتغال زنان، اگرچه از یک طرف مؤید افزایش بُعد شناختاری سرمایه خانواده است، اما از طرف دیگر خبر از کاهش ابعاد ساختاری و مناسباتی این سرمایه می‌دهد و نشان از آن دارد که برنامه‌ریزی اشتغال زنان در ایران نتوانسته است خالی از تزاخم نسبت به سرمایه خانواده باشد. ضمناً در مورد هسته‌ای‌شدن خانواده‌ها می‌توان گفت که این مؤلفه اگرچه نفساً نسبت به سرمایه خانواده، لا اقتضاء است، با این حال اگر با عوامل منفی دیگر هم‌زمان گردد، می‌تواند به‌عنوان یک تهدید وارد عمل شود.

۵- طلاق به هر دلیل که صورت گیرد و تجرد به هر علت که گسترش یابد، تهدیداتی بزرگ نسبت به سرمایه خانواده هستند. اساساً بسط تجردگرایی، مترادف با «اتمیسیم» در زندگی اجتماعی و تضعیف مدنیت و توسعه است و اگرچه متأسفانه همزاد مدرنیته، شهرنشینی و زندگی صنعتی است، کمتر تردیدی درباره خسران آن وجود دارد.

۶- بهره‌مندی از ظرفیت‌های سنتی، تبلیغ نگره‌های دینی و تساهل و تسامح اسلامی نسبت به خانواده، تبلیغ میانه‌روی و قناعت و بسط کسب و کار خانوادگی، شماری از رهیافت‌های مطروحه در تحقیق حاضر می‌شد.

### پانوشت‌ها:

۱. امروزه در جوامع غربی، تعاریف جدیدی برای خانواده مطرح شده که با معنای سنتی خانواده متفاوت است، به طوری که حتی زندگی دو نفر را نیز که در یک خانه با یکدیگر هم‌خانه‌اند - نه به عنوان همسر- جزو خانواده به حساب می‌آورند.
۲. اخیراً آرگل و همکاران کوشیده‌اند تئوری سرمایه اجتماعی را برای توصیف ایجاد و انتقال «سرمایه اجتماعی سازمانی» به کار ببرند. آنها از این منظر ناگزیر شده‌اند به مفهوم سرمایه خانواده نزدیک شوند. آنان به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه خانواده می‌تواند به سرمایه اجتماعی سازمانی، تبدیل گردد و برای کسب و کار خانوادگی، مزیت جالب توجهی را برساند (Arregle & Sirmon, 2007) در حالی که آرگل و همکاران بر تأثیر نهاد خانواده بر سرمایه اجتماعی سازمان (از منظر فرایندی) تأکید دارند، مدل نظری ما بر روی هویت مؤلفه‌هایی تأکید دارد که سرمایه خانواده را برمی‌سازند. ما سرمایه خانواده را در تناسب با منابع و ظرفیت‌هایی می‌دانیم که از تعاملات و پیوندهای طبیعی و خدادادی درون خانواده، سرچشمه می‌گیرد.
۳. در خصوص نسبت بُعد ساختاری و ابعاد دیگر سرمایه خانواده شایان گفتن است که بُعد ساختاری سرمایه خانواده نسبت به دو بُعد دیگر، تقدم دارد. اعضا باید بدو در طول زمان، تعامل داشته باشند تا بتوانند اعتماد، هنجارها و هویت‌ها را بسازند و سپس به دیدگاه‌ها و مقاصد مشترک، دست پیدا کنند. از سوی دیگر ابعاد ساختاری و شناختاری نسبت به بُعد مناسباتی سرمایه خانواده، از تقدم برخوردارند (ر.ک: Adler & Kwon, 2002).



۴. برخی دلیل مزیت کسب و کار خانوادگی را نسبت به بنگاه‌های معمولی ناشی از همین بُعد می‌دانند. بنگرید به: (Fukuyama, 1995).

### منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: انتشارات سمت.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات روشنگران.
۳. برناردز، جان (۱۳۸۴)، *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
۴. بستان، حسین (۱۳۸۳)، *ساختارهای خانواده و خویشاوندی در ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی.
۵. بهنام، جمشید (۱۳۸۳)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران: فرزانه.
۶. خُرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسایل الشیعه*، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۳۰ جلدی، جلد ۲۰.
۷. راسخ، شاپور و جمشید بهنام (۱۳۴۷)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران*، تهران: سازمان انتشارات و خدمات فرهنگی ایران (مک گروهیل).
۸. روحانی، حسن (۱۳۸۸)، "درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی"، *راهبرد*، شماره ۵۳.
۹. ریشه، گی (۱۳۶۸)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۱۰. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
۱۱. سگاین، مارتین (۱۳۷۰)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاس، تهران: نشر آرام.
۱۲. عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴)، *قومیت و الگوهای ازدواج در ایران*، پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱.
۱۳. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، "روابط و ارزش‌های اجتماعی جوانان ایرانی"، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره‌های ۸ و ۹.
۱۴. فولان، پاتریک، هارد لنسکی، (۱۳۸۰)، *جامعه‌انسانی: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، *چشم‌انداز خانواده*، ترجمه محمدرضا جلابی پور، تهران: نشر آفتاب
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *جهان رهاشده*، ترجمه علمی اصغر سعیدی، تهران: نشر توسعه
۱۸. لنسکی، گردهارد و جین، لنسکی، (۱۳۷۴)، *سیر جوامع بشری*، ترجمه دکتر ناصر موفقیان. انتشارات علمی و فرهنگی
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، جلد ۹، اخلاق جنسی.
۲۰. میشل، آندره (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشگاه علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.

### منابع لاتین

21. Adler, P.S. & Kwon, S.W. (2002). Social Capital: Prospects for a new concept. *Academy of Management Review*.

22. Aghajanian, A and A.H, Mehryar. (1999). Fertility Transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996, *Asia-Pacific Population Journal*, 14(1).
23. Arregle, J., Hitt, M.A., Sirmon, D.G., & Very, P. (2007). The development of Organizational Social Capital: Attributes of Family Firms. *Journal of Management studies*, 44(1).
24. Bourdieu, P. (1986) The Forms of Capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for Sociology Education* (pp. 241-258). New York: Greenwood.
25. Burt, R.S. (1997). The Contingent Value of Social Capital. *Administrative Science Quarterly*, 42.
26. Caplan, N., Whitmore, J. K., & Choy, M. H (1991). *Children of the Boat People: A Study of Educational Success*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
27. Chua, J.H, Chrisman, J.J., & Sharma, P. (1999). Defining Family Business by Behavior, *Entrepreneurship Theory and Practice*, 93.
28. Coleman, J.S. (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital. *American Journal of Sociology*, 93.
29. Coleman, J.S. (1990) *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
30. Coontz, Stephanie. 2005. *Marriage: A History: from Obedience to Intimacy*. New York: Viking Press.
31. Corsaro, William A. 1994. "Discussion, Debate and Friendship: Peer Discourse in Nursery Schools in the United States and Italy". *Sociology of Education* 67.
32. Dess, G.G & Show, J.D. (2001). Voluntary Turnover, Social Capital, and Organizational Performance. *Academy of Management Review*, 26.
33. Durkheim, Emile 1951, *Suicide: A Study in Sociology*. Translated by I.A Spaulding and G.Simpson. New York: Free Press.
34. Engels, F (1973), *The Origin of the Family, Private Property and the State*, New York: International Publishers.
35. Fukuyama, F. (1995). Trust: *The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. New York: Free Press.
36. Furstenberg, Frank F. (2005) "Banking on Families: How Families Generate and Distribute Social Capital." *Journal of Marriage and Family* 67.
37. Habbershon, T.G., Williams. M.L., & MacMillan, I.C. (2003). A Unified Systems Perspective of Family Firm Performance. *Journal of Business Venturing*, 18.
38. Hirsch, P.M. & Levin, D. Z. (1999). Umbrella Advocates Versus Validity police: A life cycle model. *Organization Science*, 10(2).
39. Karlsson, G (1963), *Adaptability and Communication in Marriage*, Ottawa: (N.J) Bedminster Press, 2<sup>nd</sup> edition.

40. Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (1998). Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage. *Academy of Management Review*, 23.
41. Portes, A (1998). Social Capital: Its Origins and Applications in modern sociology. *Annual Review of Sociology*, 98.
42. Putnam, R. D. (2000), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, Simon and Schuster, New York.
43. Putname, R. D. (1995) "Bowling Alone: America's Declining social capital", *Journal of Democracy*, 6.
44. Stone, Wendy (2000). *Social Capital, Social Cohesion and Social Security*. The Year 2000 International Research Conference on Social Security. Helsinki.
45. Tocqueville Alexis (1969). *Democracy in America*, Trans. George Lawrence, ed. J. P. Mayer (Garden City, N.Y.: Anchor, 1969)